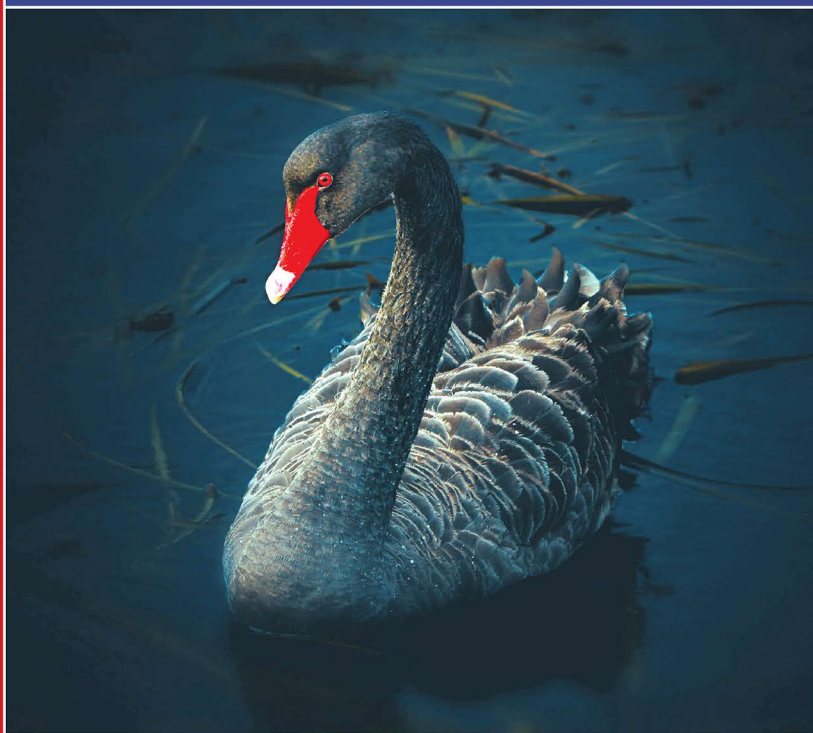


فریفته تصادف

نقش پنهانِ بخت و اقبال در «زندگی و بازارها»



نسیم نیکلاس طالب

ترجمهٔ اصلان قودجانی

کتاب‌ساز مِی‌تی

ناشر کتاب‌های نفیس
هنری، ایران‌شناسی و عمومی

قصد خرید این کتاب را دارید؟

سفارش آنلاین

آدرس دفتر نشر و پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر
رازی، بعد از تقاطع لبافی‌نژاد، نبش کوچه‌ی ماستری فراهانی،
پلاک ۱۱، طبقه اول، واحد ۱

☎ ۰۹۲۲ ۷۳۶ ۵۳ ۷۸

☎ ۰۲۱-۶۶ ۴۹ ۰۶۶۰-۲

✉ t.me/mirdashtipakhsh

📷 [mirdashti_book](https://www.instagram.com/mirdashti_book)

🌐 www.mirdashti.com

🌐 [mirdashtibook](https://www.mirdashti.com)



سوالی دارید؟ اینجا کلیک کنید



www.mirdashti.com

فریفته تصادف

نقش پنهانِ بخت و اقبال در «زندگی و بازارها»

نسیم نیکلاس طالب

ترجمه اصلان قودجانی

فریفته تصادف

نویسنده : نسیم نیکلاس طالب
مترجم : اصلان قودجانی
ویراستار : زهرا خانسانی
طراح جلد و صفحه آرا : سمیرا سبحانی
مدیر تولید : علی زارعی
لیتوگرافی : رز گرافیک
چاپ و صحافی : بوستان کتاب
ناشر : کتابسرای میردشتی
نوبت چاپ : اول ۱۴۰۰
شمارگان : ۴۰۰
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۰۰-۷۱-۱

فهرست کتابخانه ملی :

سرشناسه : طالب، نسیم نیکولاس، ۱۹۶۰-م. Taleb, Nassim Nicholas
عنوان و نام پدیدآور : فریفته تصادف: نقش پنهان بخت و اقبال در «زندگی و بازارها» / نسیم نیکلاس طالب؛ ترجمه اصلان قودجانی؛ ویراستار زهرا خانسانی.
مشخصات نشر : تهران: کتابسرای میردشتی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۳۴۴ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۰۰-۷۱-۱
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : Fooled by randomness: the hidden role of chance in the markets and in life, ©2001.
یادداشت : کتاب حاضر با عنوان «مضحکه امر تصادفی» با ترجمه شقایق اروچی توسط انتشارات قافیه در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.
عنوان دیگر : نقش پنهان بخت و اقبال در «زندگی و بازارها».
عنوان دیگر : مضحکه امر تصادفی.
موضوع : سرمایه‌گذاری Investments
شانس Chance
متغیرهای تصادفی Random variables
شناسه افزوده : قودجانی، اصلان، ۱۳۵۳-، مترجم
رده بندی کنگره : HG۴۵۲۱
رده بندی دیویی : ۱۲۳/۳
شماره کتابشناسی ملی : ۸۶۸۰۲۸۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نشر و پخش :

کتابسرای میردشتی
تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، بعد از تقاطع لبافی نژاد، نبش
کوچه ماستری فراهانی، پلاک ۱۱، طبقه ۱، واحد ۱.
تلفن : ۰۲۱-۶۶۴۹۰۶۶۰۲
دورنگار : ۰۲۱-۶۶۴۹۱۹۶۸

www.mirdashti.com

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.»

📖 Mirdashti_book

فهرست

۷ مقدمه مترجم

۱۱ پیشگفتار و سپاسگزاری

۱۷ سرآغاز: مساجدی در ابرها

بخش اول: هشدار سولون، چولگی، عدم تقارن، استقرا

۳۱ فصل ۱: اگر این همه ثروت داری، چرا باهوش نیستی؟

۵۷ فصل ۲: یک شیوه عجیب و غریب حسابداری

۸۱ فصل ۳: تأمل ریاضیاتی در تاریخ

۱۱۵ فصل ۴: تصادفی بودن، یاهو و اندیشمند علمی

فصل ۵: بقای نامتناسب ترین‌ها: آیا تکامل ممکن است با

۱۲۷ تصادف فریب بخورد؟

۱۵۳ فصل ۶: چولگی و عدم تقارن

۱۷۹ فصل ۷: مشکل استقرا

بخش دوم: میمون‌هایی روی ماشین‌های تایپ - بقا و سایر تورش‌ها

۲۰۵ فصل ۸: میلیونرهای پُرشمار دیواربه دیوار

۲۱۹ فصل ۹: خرید و فروش، آسان‌تر از نیمرو کردن تخم‌مرغ است

۲۴۹ فصل ۱۰: بازنده پاک می‌بازد: در باب غیرخطی بودن‌های زندگی

۲۶۱ فصل ۱۱: تصادفی بودن و مغز ما: ما کور احتمالاتی هستیم

بخش سوم: موم درون گوش‌هایم: زندگی کردن با عارضهٔ تصادفی بودن

فصل ۱۲: نشانه‌های قماربازان و کبوترهای درون جعبه ۳۰۳

فصل ۱۳: کارنیادس به رم می‌آید: در باب احتمال و شک‌گرایی ۳۱۵

فصل ۱۴: بکس آنتونی را تنها می‌گذارد ۳۲۹

سرانجام: سولون به شما گفته بود ۳۳۷

نمایه ۳۳۹

www.mirdashti.com

مقدمه مترجم

از مایه ابهام تا خمیرمایه نجات

نسیم نیکلاس طالب، متخصص آمار، تحلیلگر ریسک، و معامله‌گر سابق اختیار معامله در بازارهای مالی است که در سال ۱۹۶۰ در لبنان به دنیا آمد. او به تعبیری گزیده‌گوی عالم معاملات اوراق بهادار محسوب می‌شود. فقط مطالعه یکی از کتاب‌های او کافی است که خواننده بفهمد معنای گزیده‌گویی و علاقه به سخنان قصار در آثار او چیست و از چنان گفتمانی در نوشته‌های یکی از فعالان و تحلیلگرهای بازار سهام به حیرت بیفتد. چگونه است که یک کارشناس بازارهای مالی با زبان تحقیر و نقدهای آتشین، از اقتصاددان‌ها و کارشناسان MBA حرف می‌زند و برای تبیین حقایق چنین عرصه‌ای، از پند پیشینیان و ادبا بهره می‌گیرد؟ خواننده آثار او خیلی زود از خود می‌پرسد که چرا او در میان این جماعت بازاری، به چنان گویش و منشی رسیده است؟ یکی از مضامین اصلی در نوشته‌های طالب، پرهیز از خلط کردن زمینه‌های نادقیق یا غیرعلمی با عرصه‌های دقیق یا علمی؛ و تمیز دادن «تصادف و اقبال» از «محمول واقعی تلاش انسان یا رخدادهای علت‌ومعلولی» است. به این ترتیب، او در توصیفی عجیب که شاید به مذاق بسیاری - به‌ویژه اهل ادب -

خوش نیاید، ادبیات را در جایگاه بهترین مصداق «عدم‌دقت»، با واژهٔ وزوز توصیف می‌کند و در همان حال که در اوج زیبایی و هنر نگارش ویژهٔ خود، از ادبیات وام می‌گیرد، آن را معادل وزوز و اختلال می‌داند!

با این حال، چندان طول نمی‌کشد که خواننده از علاقه و احترام *طالب* به آثار ادبی آگاه می‌شود و درمی‌یابد که *طالب* در اصل از کاربرد ادبیات یا هر وزوز دیگر - هر نگرش یا رویکرد یا دادهٔ غیردقیق - در تصمیم‌گیری‌های دقیق و جزئی انتقاد می‌کند و نه از خود ادبیات؛ زیرا او به‌زودی از شیفتگی‌اش به ادبیات پرده برمی‌دارد و به زبان بی‌زبانی و با زیبایی هرچه تمام‌تر، ادبیات را در جایگاه حقیقی و راستین آن هنر قرار می‌دهد: لذت بردن از زیبایی، پرورش حس زیبایی‌شناسانهٔ انسان، و توسل به زیبایی‌های کلام، ولو در قالب مبالغه و افسانه، برای هشدار دادن و حکمت آموختن.

به این ترتیب است که ادبیات - همان وزوز، همان زیبایی نادقیق و سراسر مبالغه که البته سرشار از حکمت، هشدار و تراژدی است، همان مایهٔ لذت روح که شاید در کمک به تصمیم‌های دقیق و روزمرهٔ زندگی و بازار، پیشیزی نیرزد و عاری از دقت و معنای آماری باشد، وقتی سال‌ها هم‌نشین روح و ذهن انسان قرار می‌گیرد، حکمت و دوراندیشی را در وی پرورش می‌دهد، ماهیت کلی و خدشه‌ناپذیر این دنیا یعنی عدم‌اطمینان را در ذهن او حک می‌کند، و او را از اتکال یا اطمینان محض به سلسلهٔ دراز شواهد و آمارهای گذشته - که می‌خواهند نشانه‌های ثبات و پایداری را به وی القا کنند - باز می‌دارد. آن ادبیات، همان که از جنس امور غیردقیق است و از محک علمی سربلند بیرون نمی‌آید، در واقع صحنهٔ عبرت‌های ناب و آیینیهٔ ماهیت ازلی و ابدی این دنیاست: تغییرپذیری

مداوم، تصادف و زیرورو شدن اوضاع، بی‌عدالتی و فریب خوردن دائمی از روال «تصادفی» امور این دنیا برای کسانی که از موهبت آشنایی با ادبیات بی‌بهره‌اند. و البته ادبیات یونان و روم که *طالب* گویی از نوجوانی با آن‌ها مأنوس بوده است، مخزن بی‌پایان این هشدارها و تراژدی‌هاست. این مخزن هشدارها و مبالغه‌ها که شاید در «ظرف مدت یک روز» به هیچ کار نیاید و برای یک انسان عادی یا یکی از تحلیلگرهای بازار مالی، به درستی هیچ ارزشی نداشته باشد، در «ظرف یک عمر» یا حتی در ظرف قرون و اعصار، مایهٔ نجات، جان به در بردن، یا به تعبیر خود *طالب*، مایهٔ دوری از تباهی یا «داغان شدن» می‌گردد.

پس علت اصلی این گفتار متین و دوراندیشانه که مایهٔ تمایز نگرش و گویش *طالب* از دلالت‌ها و کارگزاران این عرصه است، چیزی نیست جز همان وزوز؛ ولی وه که چه وزوزی.

اگر هنوز دربارهٔ تشبیه ادبیات به وزوز و در عین حال، تحسین آن به‌مثابهٔ منبع حکمت، و سرچشمهٔ لذت زیبایی‌شناختی محض در نوشته‌های *طالب*، متحیر هستید، بهتر است این اثر را با دقت و طمأنینه بخوانید. بعید است که این سرگردانی پس از خواندن تمام توضیحات دشوار ولی زیبا و بی‌پیرایهٔ او، تا پایان این کتاب در شما باقی بماند.

نثر *طالب* چنان‌که خودش می‌گوید، ویژه است و چه خوب که متمایز است و منشأ تنوع. آشنایی او با شخصیت‌های ادبی و اساطیر کهن، پای نام‌ها و باورهای دیرین و بی‌شمار را به این کتاب باز کرده است و شیوهٔ نگارش وی که عاری از زیاده‌گویی است، به‌آسانی به چنگ ترجمه در نمی‌آید. دیده‌ایم که چنین آثاری چقدر در معرض ترجمه‌ها و معادل‌های تحت‌اللفظی قرار می‌گیرند. امید که این اثر *نسیم طالب*، تا حد امکان از چنان آفتی مصون مانده باشد.

پیشگفتار و سپاسگزاری

این کتاب برساخته‌ی کسی است که از یک سو سوداگری اهل ریاضیات و گریزان از یاهو (به قول خودش «متخصص نااطمینانی») است و عمرش را به تلاش برای مقاومت در برابر فریب خوردن از تصادفی بودن امور و کلک زدن به احساسات مرتبط با نااطمینانی گذرانده است؛ و از سوی دیگر، انسانی شیفته‌ی زیبایی‌ها و واله ادبیات است که دوست دارد از هر یاهو‌ای که ظریف، پالوده، اصیل و خوش‌ذوق باشد، فریب بخورد. من قادر نیستم که از فریبِ امور تصادفی دور بمانم؛ تنها کاری که از دستم برمی‌آید، منحصر کردن این گرفتاری به قلمرویی است که قدری رضایت زیبایی‌شناسانه به ارمغان بیاورد.

در چند دهه‌ی گذشته درباره‌ی تورش‌های^۱ ما انسان‌ها (سوگیری‌ها، گرایش‌ها یا جانبداری‌های ما) - اعم از اکتسابی یا ژنتیک - در رویارویی با امور تصادفی دنیا بسیار نوشته شده است. قانون من در هنگام نگارش این کتاب چنین بوده است که از بحث در دو زمینه بپرهیزم: الف. هرچه که خودم در این زمینه شاهد نبوده‌ام یا مستقل از دیگران نپرونده‌ام؛ ب. هرچه که به اندازه‌ی کافی

۱. تورش (bias) اصطلاح جافتاده‌ی ریاضیاتی برای جانبداری، سوگیری، تعصب یا تبعیض است. با توجه به اینکه نویسنده ریاضیدان است و اصطلاح تورش در زبان فارسی در حوزه‌ی آمار و ریاضیات به کار می‌رود، در ترجمه از این واژه برای معادل فارسی bias استفاده شد. - م.

در آن تعمق نکرده‌ام تا بتوانم با حداقل تقلا درباره‌اش بنویسم. هرچه را که تمام‌وکمال باب میلم نبود، در کتاب نیاوردم. ناچار بودم متن را از فرازهایی که حاصل سر زدن به کتابخانه به نظر می‌رسید - از جمله چسباندن نام خودم به کله‌گنده‌های دنیای علم - خالی کنم. سعی کردم از هر نقل‌قولی که فی‌البداهه از حافظه‌ام صادر نشود و از نویسندگانی نباشد که سالیان طولانی به شدت با افکارش دمخور بوده‌ام، بپرهیزم (ببزارم که حکمت عاریه‌ای را برحسب تصادف استفاده کنم - در ادامه بیشتر در این باره خواهم گفت). *تنها وقتی (باید حرف زد) که سخن بهتر از سکوت باشد.*

سعی کردم استفاده بی‌واسطه از حرفه‌ام - در جایگاه یک معامله‌گر وابسته به ریاضیات - را به حداقل برسانم. بازارها صرفاً مصداقی خاص از تله‌های تصادفی بودن هستند. آن‌ها را به شیوه‌ای توضیحی و طوری مطرح می‌کنم که گویی در مهمانی شام برای یک متخصص قلب و عروق که کنجکاوی علمی دارد، حرف می‌زنم (از دوست نسل‌دومی خودم به نام *ژاک مراب*^۱ به‌عنوان مدل استفاده کردم).

چند مورد قدردانی: نخست باید دوستانی را سپاس بگویم که به‌معنای واقعی می‌توان ایشان را نویسنده مشترک این کتاب دانست. از *استن جونز*^۲ - دوست نیویورکی خوش‌فکر که متخصص در حوزه امور تصادفی است (توصیف دیگری به ذهنم نمی‌رسد که حق مطلب را درباره‌اش ادا کنم)، بابت نصف عمر گفت‌وگویش با من درباره تمام موضوعات نزدیک به احتمال که با شوروشوق یک مبتدی رخ داده است، سپاسگزارم. از دوستم *دان*

1. Jacques Merab
2. Stan Jones

جمن^۱ که کارشناس احتمال و همسر هلیت جمن^۲ (راهنمای رساله‌ام) است، بابت حمایت همه‌جانبه‌اش از این کتاب متشکرم. او به من کمک کرد تا بفهمم احتمال‌دان‌ها این‌گونه به دنیا می‌آیند، نه اینکه چنین تربیت شوند. به‌عبارتی، بسیاری از ریاضی‌دان‌ها قادر به محاسبهٔ احتمالات هستند، ولی نمی‌توانند آن‌ها را درک کنند (در قضاوت‌های احتمالاتی بهتر از عامهٔ مردم نیستند). این کتاب از یک شب تا صبح گفت‌وگو با دوست دانشمندم، جمیل بز^۳ در تابستان ۱۹۸۷ شروع شد؛ زیرا او بحث دربارهٔ پول «جدید» و «قدیمی» در خانواده‌ها را مطرح کرد. من در آن زمان یک معامله‌گر نوپا بودم و او از معامله‌گرهای متکبر *سالومون برادرز*^۴ که پیرامونش بودند، گله می‌کرد (معلوم شد که حق دارد). او تأمل حریصانه دربارهٔ عملکردم در زندگی را در وجودم القا کرد و نقشهٔ کلی این کتاب را به من نشان داد. هر دوی ما در ادامهٔ زندگی به گرفتن مدرک دکتری در رشته‌ای تقریباً مشابه کشیده شدیم. همچنین بسیاری از افراد را به پیاده‌روی‌های طولانی در لندن، نیویورک، یا پاریس کشاندم تا دربارهٔ بخش‌هایی از این کتاب با آنان بحث کنم؛ از جمله *جیمی پاورز*^۵ فقید که در ابتدای کار سوداگری به پرورش مهارت‌هایم کمک کرد و همیشه تکرار می‌کرد: «از هرکسی ساخته است که بخرد و بفروشد.»

-
1. Don Geman
 2. Heleyette Geman
 3. Jamil Baz

۴. برادران سالومون (Salomon Brothers) یک بانک سرمایه‌گذاری چندملیتی بود که مقر اصلی‌اش در نیویورک قرار داشت. آن بانک در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سودآورترین بنگاه وال‌استریت محسوب می‌شد و به رئیسش (جان گاتفروند) لقب «سلطان وال‌استریت» داده بودند. آن بنگاه از ۲۰۰۲ به تملک شرکت‌های دیگر درآمد و تغییر نام داد. - م.

5. Jimmy Powers

یا دوستی جامع‌الاطراف به‌نام *دیوید پاستل*^۱ که در هر سه حوزه ادبیات، ریاضیات و زبان‌های سامی تسلط دارد. همچنین از مصاحبت *جاناتان واکسمن*^۲ - همکار فرزانه پویری‌ام - در بسیاری از بحث‌ها درباره وارد کردن افکار کارل پوپر در حرفه خودمان، یعنی سوداگری، استفاده کردم.

دوم آنکه از خوش‌اقبالی با *مایلز تامپسون* و *دیوید ویلسون*^۳ دیدار کردم که هر دو آن زمان در انتشارات *ویلی اند سانز*^۴ کار می‌کردند. *مایلز* بصیرت دارد و نقطه مقابل آن ناشرهای «اهل تقلید» است. او می‌داند کتاب نباید طوری نوشته شود که مخاطبان «از پیش مشخصی» را راضی کند، بلکه هر کتاب خوانندگان منحصربه‌فرد خودش را پیدا می‌کند. او به این ترتیب، برای خواننده، بیش از ناشر کلیشه‌ای اعتبار قائل است. *دیوید ویلسون* هم باور داشت که خود کتاب باید مرا به مسیری صحیح - فارغ از تمام برجسب‌ها و طبقه‌بندی‌ها - بکشاند. *دیوید* مرا در همان مسیری دید که خودم هم می‌دیدم. او که علاقه شدید به احتمالات و امور تصادفی دارد، شیفته ادبیات است، ولی دست‌برقضا سوداگر - و نه یک «کارشناس» به‌معنای عام کلمه - شده است. وی علاوه بر این سبک کاملاً شخصی نگارش مرا از گزند فرابند کسالت‌بار ویرایش حفظ کرد (هر عیبی هم که داشته باشد، باز سبک خودم است). در نهایت، *مینا ساموئلز*^۵ نشان داد که ویراستاری باورنکردنی است؛ با شهود ژرف، فرهیخته، با دغدغه زیبایی‌ها و در عین حال غیرمداخله‌جو.

-
1. David Pastel
 2. Jonathan Waxman
 3. Myles Thompson and David Wilson
 4. J. Wiley & Sons
 5. Mina Samuels

دوستان بی‌شماری^۱ با صحبت‌هایشان برای من مفاهیمی را مطرح کردند؛ مفاهیمی که به متن کتاب راه یافت. تألیف و بحث دربارهٔ فصل‌هایی از این کتاب در «محل اودئون»^۲ انجام گرفت که من و بسیاری از دوستان (چهارشنبه‌ها ساعت ۱۰ شب پس از کلاس من در کورانت)^۳ با درجات مختلفی از نظم در کافهٔ رستوران اودئون در *تریبکا*^۴ در آن محل حاضر می‌شدیم. *روح آن مکان*^۵ و یکی از کارکنان خیره‌کننده‌اش به نام *طارق خلیفی* - که مطمئن می‌شد ما کم‌وکسری نداریم و با سرزنش من در هنگام غیبت، موجب تقویت سخت‌کوشی ما می‌شد - بسیار به جزئیات کتاب کمک کرد. بسیار به وی مدیون هستیم.

همچنین باید از کسانی^۶ سپاسگزاری کنم که دست‌نویس کتاب را خواندند، با دقت خطاها را برطرف کردند یا با نقدهای مفیدشان در تنظیم کتاب مؤثر بودند. *اریک استتالر*^۷ در نقش ویراستار سایهٔ نسخهٔ بدل، عالی عمل کرد. تمام اشتباهات متن از من است.

همچنین نسخه‌های بسیاری از این کتاب به اینترنت راه یافت و سیل نامه‌های پراکنده (و گاه تصادفی) از تشویق، تصحیح و پرسش‌های ارزشمندی را باعث شد که مرا واداشت پاسخ آن‌ها را به‌نحوی در تاروپود متن بگنجانم. بسیاری

1. Cynthia Shelton Taleb, Helyette Geman, Marie-Christine Riachi, Paul Wilmott, Shaiy Pilpel, David DeRosa, Eric Briys, Sid Kahn, Jim Gatheral, Bernard Opetit, Cyrus Pirasteh, Martin Mayer, Bruno Dupire, Raphael Douady, Marco Avellaneda, Didier Javice, Neil Chriss, and Philippe Assely.

2. Odeon Circle

۳. گویا کورانت (Courant) نام یک مؤسسهٔ آموزش ریاضیات در نیویورک است. - م.

4. Tribeca

5. Genius loci

6. Inge Ivchenko, Danny Tosto, Manos Vourkoutiotis, Stan Metelits, Jack Rabinowits, Silverio Foresi, Achilles Venetoulis, and Nicholas Stephanou

7. Eric Stettler

از فصول کتاب در واکنش به پرسش‌های خوانندگان پدید آمد. *فرنچسکو کوریلی*^۱ از دانشگاه بوکونی^۲ به من دربارهٔ جانبداری‌ها در نشر نتایج علمی هشدار داد.

این کتاب پس از آنکه بنگاه معاملاتی خودم به نام *امپیریکا*^۳ و خانهٔ فکر کمپ *امپیریکا*^۴ را تأسیس کردم، در جنگل‌های دورافتادهٔ گرینویچ سی‌تی^۵ نوشته و تمام شد. آنجا را طوری طراحی کردم که منطبق بر سلیقه و سرگرمی‌هایم و به‌مثابهٔ یک آزمایشگاه تحقیقات کاربردی احتمال، اردوگاه تابستانی ورزشی، و حتی بیشتر از آن‌ها محل ادارهٔ یک صندوق سرمایه‌گذاری پوششی شکارچی بحران باشد (وقتی این سطور را می‌نگاشتم، یکی از بهترین سال‌های حرفه‌ای خودم را گذراندم). از دوستان^۶ هم‌فکری که برای ایجاد محیط مذکور در آن کمپ کمک کردند و نیز از کارکنان *پالوما پارتنرز*^۷ از قبیل *تام ویتز*^۸ که دم‌به‌دم دانش ما را به چالش کشید یا *دونالد ساسمن*^۹ که مرا از قوهٔ قضاوت موشکافانه‌اش بهره‌مند کرد، سپاسگزارم.

-
1. Francesco Corielli
 2. Bocconi
 3. Empirica
 4. Camp Empirica
 5. Greenwich, CT
 6. Pallop Angsupun, Danny Tosto, Peter Halle, Mark Spitznagel, Yuzhang Zhu, and Cyril de Lambilly
 7. Paloma Partners
 8. Tom Witz
 9. Donald Sussman

سرآغاز: مساجدی در ابرها

این کتاب دربارهٔ *بخت* و *اقبال* است که لباس مبدل پوشیده و چیزی غیر از بخت و اقبال (معادل مهارت و لیاقت) تصور شده است؛ و به طور کلی‌تر دربارهٔ *تصادف* است که لباس مبدل به تن کرده و همچون غیرتصادف (پذیرش تقدیر) جلوه می‌کند. این واقعیت در هیئت آن *احمق خوش‌اقبال*^۱ نمایان می‌شود؛ کسی که سهم نامعمولی از اقبال نصیبش شده است، ولی موفقیت خود را به عواملی دیگر - آن هم عوامل بسیار مشخص - نسبت می‌دهد. چنان اشتباهی حتی در غیرمنتظره‌ترین حوزه‌ها - از جمله در ساحت علم - رخ می‌دهد، ولی البته در هیچ حوزه‌ای به اندازهٔ دنیای کسب‌وکار، آشکار و وخیم دیده نمی‌شود. این اشتباه در قلمرو سیاست نیز همه‌گیر است، چنان‌که مثلاً قالب آن را در گفتمان فلان رئیس‌جمهور می‌شنوید که از شغل‌های ایجادشده به‌دست «خودش»، بهبود اوضاع در دورهٔ «خودش» و از دسته‌گل تورم در «دورهٔ سلف خودش» سخن می‌گوید.

ما از لحاظ ژنتیکی بسیار به اجداد خود نزدیک هستیم که در دشت‌های *Savanna*^۱ [آفریقا] پرنده می‌زدند. حتی امروزه (شاید بگوییم حتی امروزه بیشتر)، شکل‌گیری باورهای ما آکنده از خرافه است. ما نیز مثل روزی که انسان بدوی، دماغش را می‌خاراند و هم‌زمان بارش باران را می‌دید و به این ترتیب روش دقیقی برای خاراندن بینی‌اش طراحی می‌کرد که به خیال خودش موجب بارندگی دقیق به میزان دلخواه شود، عادت کرده‌ایم رونق اقتصادی را به فلان نرخ گره بزنییم که بانک مرکزی [ایالات متحده] تعیین کرده است، یا توفیق فلان شرکت را به انتصاب مدیرعامل جدید و افتادن «زمام امور» به دست او نسبت دهیم. کتاب‌فروشی‌ها پر از زندگی‌نامه مردان و زنان موفق هستند که توضیحات مخصوص خودشان را درباره چگونگی اجرای یک کار بزرگ عرضه کرده‌اند (و در آن‌ها معمولاً عبارت «زمان مناسب و مکان مناسب» را به کار می‌برند تا بتوانند هر نتیجه‌گیری نامربوطی را از دل حکایت‌هایشان بیرون بکشند). این اشتباه دامن افرادی از هر مرام و مسلک را می‌گیرد؛ استاد مقاله‌نویس دانشگاهی، عمری را برای استخراج یک معنای عمیق از دل رخداد هم‌زمان الگوهای واژگانی صرف می‌کند، و متخصص آمارهای مالی، با افتخار از یافتن «نظم‌ها» و «بی‌نظمی‌ها» در داده‌هایی می‌گوید که آشکارا تصادفی هستند.

ناچارم به قیمت متهم شدن به غرض‌ورزی بگویم که ذهن «اهل ادب» ممکن است عامدانه در معرض اشتباه گرفتن *و روز*^۲ (اختلال) با *معنا*^۳ قرار گیرد؛ یعنی نتواند ترتیبات تصادفی را از پیام‌های دقیق هدفدار تمیز دهد. با این حال، چنان اشتباهی خیلی مخرب نیست؛ زیرا کمتر کسی ادعا می‌کند که هنر، ابزار

1. Savannah
2. noise
3. meaning

تحقیق و تفحص حقیقت است، بلکه برعکس، هنر معمولاً تلاش برای گریز از حقیقت یا خوشایندتر ساختن حقیقت بوده است. نمادگرایی^۱ محصول ناتوانی و بی‌میلی ما در پذیرش خاصیت تصادفی بودن^۲ یا اتفاقی بودن است و به همین دلیل به تمام شکل‌ها معنا نسبت می‌دهیم یا در الگوی پخش شدن جوهر، چهرهٔ انسان‌ها را بازشناسی می‌کنیم. *آرتور ریمبو*^۳ - شاعر نمادگرای قرن نوزدهم فرانسه - با صدای بلند گفت: *من در ابرها مساجدی می‌بینم*. چنان تعبیری وی را به‌سوی سرزمین شاعرانهٔ اتیوپی^۴ در شرق آفریقا کشاند که در آنجا با رفتارهای وحشیانهٔ یک برده‌فروش لبنانی مسیحی روبه‌رو شد، سفلیس گرفت و یک پایش را بر اثر قانقاریا^۵ از دست داد. او شاعری را در نوزده‌سالگی با نفرت کنار گذاشت و در دههٔ چهارم زندگی در بیمارستان ماری^۶ در گننامی درگذشت. با این حال، دیر شده بود. حیات روشنفکری اروپا وضعیتی پدید آورد که گویی ذوق بازگشت‌ناپذیر به نمادگرایی است و ما هنوز - با روانکاو و هوس‌ها و موج‌های دیگر - تاوانش را می‌پردازیم.

مایهٔ شوربختی است که برخی مردم همچنان این بازی را جدی می‌گیرند؛ ایشان پول می‌گیرند تا برخی مطالب را با وسواس افراطی بخوانند. در تمام عمرم از جدال بین علاقه‌ام به ادبیات و شعر، و حساسیت فراوانم به اکثر آموزگاران و «منتقدان» ادبی رنج کشیده‌ام. شاعر فرانسوی به‌نام *پل والری*^۷ حیرت‌زده شد که تفسیری از اشعار خود را گوش کرد و در آن تفسیر،

-
1. symbolism
 2. randomness
 3. Arthur Rimbaud
 4. Abyssinia
 5. gangrene
 6. Marseilles
 7. Paul Valery

معناهایی را دید که تا آن زمان هیچ وقت به ذهنش خطور نکرده بود (البته، به او تذکر دادند که شاید آن معانی در ناخودآگاهش بوده‌اند!).

ما تقریباً درباره هر موضوعی، نقش تصادفی بودن را کمتر از واقع ارزیابی می‌کنیم. شاید این نکته ارزش نوشتن یک کتاب را نداشته باشد، مگر نویسنده کتاب، متخصصی باشد که احمق‌ترین احمق‌هاست. شوربختانه علم، تازه در سال‌های اخیر بوده که توانسته است از عهدۀ درک تصادفی بودن‌ها برآید (رشد اطلاعات موجود، بر رشد همه‌ها و وزوزها پیشی گرفته است). نظریۀ احتمال در حوزه ریاضیات، تازه‌وارد است و کاربرد احتمال در حوزه عمل در جایگاه یک رشته دانشگاهی، تقریباً وجود ندارد.

ستون‌های راست و چپ در جدول س.۱۰ را ببینید. بهترین راه برای خلاصه کردن مضمون اصلی این کتاب، اشاره به وضعیت‌هایی است که در آن‌ها ستون چپ و راست با هم اشتباه گرفته می‌شوند (و بسیاری از آن وضعیت‌ها تراژدی - کمدی هستند). زیربخش‌ها نیز حوزه‌های اصلی بحث در این کتاب را نشان می‌دهند.

کتاب‌ساز مِی‌تی

ناشر کتاب‌های نفیس
هنری، ایران‌شناسی و عمومی

قصد خرید این کتاب را دارید؟

سفارش آنلاین

آدرس دفتر نشر و پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر
رازی، بعد از تقاطع لبافی‌نژاد، نبش کوچه‌ی ماستری فراهانی،
پلاک ۱۱، طبقه اول، واحد ۱

☎ ۰۹۲۲ ۷۳۶ ۵۳ ۷۸

☎ ۰۲۱-۶۶ ۴۹ ۰۶۶۰-۲

✉ t.me/mirdashtipakhsh  [mirdashti_book](https://www.instagram.com/mirdashti_book)

🌐 www.mirdashti.com  [mirdashtibook](https://play.google.com/store/apps/details?id=com.mirdashti)



سوالی دارید؟ اینجا کلیک کنید

فریفته تصادف

کتابی است برای لذت بردن آنان که آمار می‌دانند؛
هشدار است برای بیدار شدن آن‌ها که بی‌محابا در دنیای کسب‌وکار
و سرمایه‌گذاری به پیش می‌روند؛
مایه فروتنی و اندیشیدن است برای آن‌ها که در زندگی به توفیق
رسیده‌اند و توفیق خود را تمام‌وکمال به شایستگی‌هایشان نسبت
می‌دهند؛
مرهمی است برای زخم آنان که دست سرنوشت، ناگهان طومار
زندگی بسامان ایشان را در هم پیچیده است؛
لحظات دل‌تیشینی است برای کسانی که مشتاق شنیدن حکمت ناب
از زبان بزرگان ادبیات و فلسفه باستان هستند؛
و در یک کلام، شرح چیره‌دستانه **تراژدی** در دنیای سهام و
سرمایه‌گذاری است.



کتابساز



علوم انسانی - علوم اجتماعی